



الوالد الصالح الوالد الصالح الوالد الصالح الوالد الصالح

آداب تربیت فرزندان در سیره معصومین (ع)

اسماعیل نساجی زوار ۵ - اصفهان

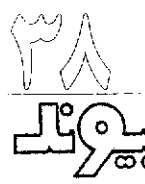
است که از هرگونه نقش و نگار خالی است. اما در عین حال قابلیت پذیرش هر نقشی را دارد؛ لذا می‌بینیم که حضرت علی (ع) در این باره به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «قلب کودک همانند زمین کاشته نشده است و آمادگی پذیرش هر نوع بذری را دارد که در آن پاشیده شود. از این رو پیش از آن که دلت سخت شود و فکرت به چیز دیگری مشغول گردد، در تربیت تو شتاب کردم تا به استقبال کارهایی بستانی که صاحبان تجربه زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند.» (دستی، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۲۳).

انبوه نتایج علمی که امروزیان بدان دست یافته‌اند در سایه استمداد از تجربیات کارشناسان و استفاده از فناوری‌های جدید تحقق یافته است، اما در قرن‌ها پیش که هیچ یک از این زمینه‌ها و امکانات

آغازین سخن

دوران کودکی بهترین زمان برای تربیت و پایه‌گذاری زندگی سالم و سعادت‌مندانه فرزندان است؛ زیرا توانمندی‌های آنان در زمینه تقلید و پذیرش آموزه‌های تربیتی در این دوره در سطح بالایی قرار دارد. بنابراین موضوع تربیت فرزند از دیرباز جزء موضوعات اساسی و بنیادی مکتب حیات بخش اسلام بوده است.

در دنیای امروز با توسعه و رشد فناوری، رویکرد دوباره بشر به مسئله دین و تربیت هم‌چنان چشم‌گیر است و هر روز تحقیقات دامنه‌دار و عمیق در این زمینه صورت می‌گیرد، ولی متأسفانه هنوز بسیاری از کودکان و نوجوانان قربانی ناآگاهی و عدم مسئولیت‌پذیری والدین می‌شوند و غنچه‌های زیبای وجودشان ناشکفته پژمرده می‌شود. قلب کودکان و نوجوانان گوهری نفیس و آینه‌ای روشن



به ماهانه آموزشی - تربیتی
تابستان ۱۳۸۷
شماره ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷



پژوهشی وجود نداشت، از سوی پیشوایان معصوم (ع) رفتارها و گفتارهایی در برخورد با کودکان و نوجوانان مشاهده شده است که محققان امروزی در ژرفای آن در مانده‌اند و رهیافت‌های جدید علم روان‌شناسی بر همه آنها مهر تأیید زده است.

در این نوشتار به بررسی رهنمودهای تربیتی و عملکردهای اخلاقی معصومین (ع) درباره تربیت صحیح کودکان و نوجوانان خواهیم پرداخت که امید است مورد توجه اولیا و مربیان قرار گیرد.

تقویت مبانی اعتقادی فرزند

یادگیری از مهم‌ترین فرایندهای تربیتی است که از سنین کودکی شروع می‌شود و به تدریج با بالا رفتن سن، استعدادها بیش‌تر شکوفا می‌شود. کودک به دلیل وجود حس تقنید تلاش می‌کند تا رفتاری را همسان با والدین خود بازسازی کند. این حس می‌تواند کمک زیادی به او در یادگیری کند. والدین باید از این حس قوی به سود فرزند خود بهره‌برداری کنند و با آموزش‌های ابتدایی کم‌کم زمینه‌های آشنایی با تعالیم دینی و مبانی عقیدتی را در او به وجود آورند.

امام جعفر صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید. «لا اله الا الله» را به او بیاموزید و او را رها کنید. وقتی هفت ماه دیگر گذشت، «محمد رسول الله» را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن‌گاه «صلوات فرستادن» را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را یاد بدهید و قبله را به او نشان دهید و بگویید سجده کند. آن‌گاه او را تا سن شش سالگی به حال خود رها کنید و فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش تمام شود. وقتی سن هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید که نماز بخواند. وقتی نه ساله شد، وضو گرفتن و نماز خواندن را خوب آموخته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ هـ. ق. ۱۵، ص ۱۹۳).

نظارت مستمر در آموزش

یکی از آسیب‌های تربیت دینی در خانواده‌ها، اکتفا کردن به روش سطحی و زودگذر است؛ در حالی که برای کامیابی در این مسیر لازم است تربیت تا آن جا استمرار یابد که در ذهن و ضمیر فرزند جای گیرد.

تکرار و استمرار، سبب یادگیری درست، سرعت عمل و کسب مهارت در هر زمینه‌ای می‌شود. تحقیقات نشان داده است که روش

تمرین و تکرار در یادگیری مطالب و مفاهیم تأثیر دارد و برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار در کودک باید از مجرای «تکرار» وارد شد.

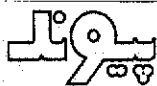
عدم استمرار در تربیت دینی، تلاش‌ها را در این عرصه عقیم می‌سازد. پیشوایان معصوم (ع) روش غیرمستمر را نمی‌پسندیدند؛ مثلاً آنان در مورد قرائت قرآن به فرزندان خود به آموزش اکتفا نمی‌کردند، بلکه افزون بر آن با تشویق آنان را وادار می‌کردند تا با قرآن انس بگیرند و به آن عادت کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پدرم ما را جمع می‌کرد و از ما می‌خواست تا طنوع آفتاب ذکر بگوییم. هر کس را که توان قرائت قرآن داشت، به خواندن قرآن و هر کس را که نمی‌توانست به گفتن ذکر امر می‌کرد» (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۹۸).

پیامبر گرامی اسلام (ص)، بزرگ مربی مکتب اسلام، در زمینه آموزش نماز و تکرار آن برای نوه گرامی‌اش حضرت امام حسین (ع) چنین رفتاری داشت. نقل می‌شود: روزی پیامبر (ص) قصد خواندن نماز داشت و امام حسین (ع) در کنار جد بزرگسوارش درصدد همراهی با آن حضرت بود. پیامبر (ص) تکبیر گفت و امام حسین (ع) نتوانست آن را تکرار کند. پیامبر (ص) تکبیر دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم را گفت. در نهایت برای هفتمین بار، تکبیر امام حسین (ع) صحیح گذاشت و نماز آغاز گردید (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ. ق. ج ۴۳، ص ۳۰۷).

این شیوه رفتار پیامبر (ص) می‌تواند الگوی خوبی برای والدین و مربیان باشد. آنان باید همانند رسول خدا مراحل رشد کودک را در نظر گرفته، سعی کنند با صبر و حوصله به نیازهای فطری کودکان پاسخ دهند. هنر بزرگ اولیا و مربیان در این است که دنیای کودک را درک نمایند و بدانند که برخی از مسائلی که ممکن است برای بزرگسالان خسته کننده باشد، برای کودکان لذت‌بخش است. کودک از تکرار مکررات خسته نمی‌شود؛ ذکر مکرر قصه‌ها و داستان‌ها او را خسته نمی‌کند؛ به‌خصوص اگر بیان این داستان‌ها با صوت خوش و آهنگ مطلوب باشد. کودک کاملاً مجذوب و علاقه‌مند می‌شود (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

تکریم شخصیت

فرزندانی که در دوران طفولیت از توجه و احترام بزرگ‌ترها، به‌ویژه والدین، برخوردار گردند، در زندگی آینده خویش افرادی موفق و دارای اعتماد به نفس خواهند بود؛ زیرا تکریم شخصیت،



روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را در وجود آنان تقویت کرده، زمینه رشد اخلاقی و ایجاد صفات نیک را برایشان فراهم می‌آورد و آنان را در آینده مستقل و خودباور بار خواهد آورد.

از رفتارهای متداول نبی مکرم اسلام (ص) رعایت احترام کودکان و اعطای شخصیت به آنان بود. بعضی افراد می‌پندارند چون کودک پیکری کوچک‌تر از بزرگسالان دارد، شخصیت خود را هم کوچک می‌پندارد؛ حال آن که چنین نیست و چه بسا بی‌توجهی به شخصیت کودکان زیان‌بارتر از بی‌توجهی به شخصیت بزرگسالان است.

رسول اکرم (ص) در حضور دختر خردسالش حضرت فاطمه (س) می‌ایستاد و احترامش می‌کرد. گاه به احترام و مراعات خردسالی نوادگانش سجده نماز را طولانی می‌کرد یا برای برآوردن حاجت آنان، نماز را با سرعت به پایان می‌برد. مهربانی و عطف نسبت به کودکان خوی همیشگی آن حضرت

بود. (نساجی زواره، ۱۳۸۴، ص ۴۴). روزی نماز ظهر را با جماعت اقامه نمود، ولی بر خلاف معمول دو رکعت آخر را به سرعت به پایان رسانید. پس از نماز از آن حضرت پرسیدند: یا رسول الله! آیا حادثه تلخی رخ داد؟ علت شتاب شما چه بود؟ آن بزرگوار در پاسخ فرمود: آیا شما صدای ناله کودکی را نشنیدید؟ معلوم شد در نزدیکی محل اقامه نماز کودکی گریه می‌کرده و کسی نبوده تا با نوازش او آرام کند. مهر و محبت پامیر (ص) موجب شد تا نمازش را کوتاه کند و آن کودک را مورد لطف و نوازش قرار دهد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ۴۸).

رعایت اعتدال

تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار والدین تلاش‌هایشان را بی‌حاصل می‌سازد. بعضی از والدین فرزند کوچک‌تر یا مریض، یا آن که را در سفر و دور از چشم است، بیش‌تر دوست دارند. اگر چنین باشد، مسیر تربیت آنان به بی‌راهه می‌رود.

روزی مردی با دو فرزند خود به محضر رسول خدا (ص) شرف‌یاب شد و یکی از فرزندان خود را بوسید به فرزند دیگر اعتنا نکرد. پامیر (ص) وقتی این رفتار نادرست را مشاهده کرد، به او فرمود: چرا با فرزندان خود به طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟ نیز فرمود: بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایید، همان‌طوری که



مایلید فرزندان بین شما به عدالت رفتار کنند (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق. ج ۲۳، ص ۱۱۳).

پدر و مادری که در اعمال علاقه و محبت نسبت به فرزندان عدالت را مراعات نمی‌کنند، عملاً آنان را تحقیر کرده، به شخصیت آنها اهانت نموده‌اند. این قبیل پدران و مادران با رفتار نادرست خود به‌طور غیرمستقیم به کودکان می‌فهمانند که تنها برادر یا خواهر شما شایسته این همه احترام و محبت است و در شما آن لیاقت و شایستگی نیست. بدون تردید این رفتار غیر عادلانه نتایج نامطلوب در بردارد.

فرزندی که خود را تحقیر شده ببیند و احساس کند که مورد اعتنا و توجه پدر و مادر نیست، عقده‌ای خواهد شد و نسبت به برادر و خواهر خود که مورد توجه بیش‌تری است، کینه پیدا می‌کند و چه بسا ممکن است در خفا و پنهانی به او آزار و اذیت برساند تا بدان وسیله عقده دل را خالی کند. مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «دوای درد و

عقده انسان حسود چیزی جز سلب نعمت از فرد مورد حسادت نیست» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۵ ه. ق. ج ۲، ص ۴۲۳).

پرهیز از انتقاد و سخت‌گیری

برای تحقق تربیت دینی کودکان و نوجوانان نباید آنان را در معرض انتقاد و ایرادهای فراوان قرار داد و آنان را به صورت منفی با مذهب و ارزش‌ها آشنا کرد.

شخصیت مذهبی کودک زمانی شکل می‌گیرد که متناسب با جوایست‌ها، روحیات و کشش‌های درونی او رفتار شود و آن در صورتی است که انگیزه‌های مذهبی به همراه امید و احساس‌های مثبت به او منتقل شود، نه با سخت‌گیری و انتقاد؛ زیرا انتقاد زیاد، فرزند را به سرکشی وادار می‌کند و تذکر فراوان موجب پدیدآیی لجاجت و مقاومت می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «زیاده‌روی در ملامت، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند» (حرّانی، ۱۴۰۴ ه. ق. ص ۴۸۹).

انتظار از فرزندان در حد توان

کودک و نوجوان دارای توانایی محدود بوده، قادر به انجام کارهای سنگین و مشقت‌آور نیست. توقعات بیجا از فرزندان، علاوه بر این که در آنها عقده روانی ایجاد می‌کند، خدای نخواستگه موجب می‌شود که کودک یا نوجوان راه‌ها و حیل‌هایی برای فرار خود پیدا کند و به



مطلق و غیرواقعی خواهند داشت و اغلب از معنای ظاهری جملات فراتر نخواهند رفت. وقتی هم که در درک مسئله شکست بخورند، این شکست را متوجه استدلال و بطلان اصل مسئله می‌دانند (علیا نسب، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۷).

ایجاد سؤال در ذهن کودکان

یکی از مؤثرترین روش‌های آموزش این است که ذهن فراگیر بر تفکر، تجربه، سؤال و کشف متمرکز شود و این فرایند از طریق طرح سؤالات مختلف و فرصت دادن به کودک برای یافتن پاسخ امکان‌پذیر است. علم روان‌شناسی بر این اصل استوار است که در فرایند یاددهی، وظیفه مربی خارج کردن ذهن فراگیر از حالت تعادل است و در واقع لازمه پیشرفت، خارج شدن از سازگاری‌های قبلی و تعادل‌های پیشین و ورود به سازگاری‌ها و تعادل‌های جدید است. لذا اصل «تعادل جویی» که پیاژه آن را به عنوان کلید تحول روانی بشر قلمداد می‌کند، حاکی از آن است که لازمه پیشروی به مراحل بالاتر رشد، تعادل‌جویی بی‌در پی است که به دنبال بر هم خوردن تعادل‌های مراحل قبلی حاصل می‌شود. پیاژه معتقد است که انسان به سبب نقصان حرکت می‌کند تا خودش را کامل کند (همان، ۱۳۸۶، ص ۴۸ - ۴۷).

فراز ذیل از نیایش امام کاظم (ع) مؤید همین مطلب است که می‌فرماید: «خدایا! مرا از حالت احساس نقصان و کمبود خارج مکن و دین مرا عاریه قرار مده.» (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۷۰). زیرا غفلت از نقصان و احساس کمبود، انگیزه حرکت و فعالیت را از انسان سلب می‌کند و پریشانی باعث می‌شود که کودک و نوجوان و حتی بزرگسال به نقصان خود پی برده، برای تکمیل آن حرکت کند؛ چون دین‌داری و گرایش به دین یک امر درونی و قلبی است و باید به وسیله خود فرد کشف شود و آموزش، هر اندازه که بیرونی باشد، ناپایدارتر خواهد بود.

تحسین و تشویق

تشویق، استعداد‌های نهفته در نهاد آدمی را از قوه به فعلیت می‌رساند و نیروی خلاقیت را در وجود او شکوفا می‌سازد. قدردانی از فرزندان و تشویق آنان به خاطر کارهای پسندیده‌ای که انجام می‌دهند، در تقویت اعتماد به نفس و روحیه خودباوری و در نتیجه عزت نفس آنان، تأثیر به‌سزایی دارد. تشویق سبب می‌شود که کودک یا نوجوان انگیزه و شوق لازم را برای انجام کارهای شایسته به دست آورد و از این رهگذر عادت به انجام کارهای شایسته در وجود او نهادینه شود.

اگر کودک پس از انجام عملی مورد تحسین قرار گیرد، شیرینی تشویق در خاطره او باقی خواهد ماند و انگیزه او را در تکرار آن عمل قوی‌تر خواهد ساخت.

دروغ متوسل شود (غروی، ۱۳۸۳، ش ۱، ص ۴۳).

از مسائل مهم در پرورش مذهبی کودکان و نوجوانان این است که والدین آن‌ها را از افراط و تفریط در عبادت و فعالیت‌های مذهبی دور بدارند و هیچ‌گاه آنان را به عبادت زیاد مجبور نسازند.

امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که جوان بودم و در عبادت بسیار می‌کوشیدم، پدرم به من فرمود: کم‌تر از این اندازه عبادت کن؛ زیرا هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، با عبادت کم نیز از او راضی می‌شود» (کلینی، ۱۳۷۰، ش ۲، ص ۸۷ - ۸۶).

بنابراین والدین و مربیان باید تلاش‌های کودکان و نوجوانان را تعدیل نمایند؛ زیرا رسول اکرم (ص) فرموده است: «خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. یکی از اصحاب سؤال کرد یا رسول الله! چگونه فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری نمایم؟ آن حضرت در جواب چهار دستور تربیتی بیان فرمود: آن چه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام دهد، قبول کنید. آن چه را که انجام آن برای کودک طاقت‌فرسا و سنگین است از او نخواهید. آن چه انجامش کودک را به طغیان و دروغ و ادا می‌سازد از او نخواهید و در برابر کودک مرتکب اعمال احمقانه نشوید» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲۳، ص ۱۱۴).

تأکید بر نکات مثبت

تأکید بر نکات مثبت فرزندان، احساس عزت نفس را در آنان بر می‌انگیزاند. در سیره پیشوایان معصوم (ع) تأکید زیادی روی این مسئله یعنی توجه مثبت به فرزندان و ایجاد فضای ذهنی سرشار از خوش بینی شده است.

حضرت علی (ع) در این زمینه بر ضرورت برجسته‌سازی نکات و ویژگی‌های مثبت افراد به طور عام تأکید نموده، می‌فرماید: «یادآوری نقاط مثبت و کارهای خوب افراد، موجب تحریک اشخاص شجاع و برانگیختن افراد دل‌سرد و مسامحه‌کار به رفتار مثبت خواهد شد» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۴).

پرهیز از استدلال‌های فراتر از توانایی کودکان

شیوه هدایت و تبلیغ پیشوایان معصوم (ع) این بود که با هر فردی به اندازه درک و فهم او سخن می‌گفتند؛ در سیره رفتاری امام صادق (ع) می‌بینیم که در مسئله اثبات خدا برای کسی که اهل علم بود از استدلال‌های پیچیده فلسفی استفاده می‌کرد و برای کسی که اهل علم و دانش نبود و سطح تفکرش پایین بود، مسئله امامت را در قالب مثال گله و چوپان بیان می‌کرد.

توجه به این موضوع لازم است که کودکان هنوز به دوره تفکر مذهبی نرسیده‌اند و ذهن آنان قدرت کافی برای درک مسائل و ادله پیچیده را ندارد و از هر استدلالی برای اثبات خداوند یا هر جنبه‌ای از دین که فراتر از توانایی‌های ذهنی آن‌ها باشد، برداشت‌های ساده،

روزی امام حسن مجتبی (ع) کودکی را دید که نان خشکی در دست داشت، لقمه‌های از آن را می‌خورد و لقمه دیگر را به سگی می‌داد که در آن جا بود. آن کودک فرزند یکی از بردگان بود. امام (ع) از او پرسید: پسر جان! چرا چنین می‌کنی؟ کودک جواب داد: من از خدای خود شرم دارم که غذا بخورم و حیوانی گرسنه به من بنگرد و به او غذا ندهم. حضرت از روش و سخن زیبای او خرسند شد و دستور داد غذا و لباس فراوانی به او عطا کنند. سپس وی را از اربابش خرید و آزاد نمود (دمشقی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۳۸).

نام‌گذاری شایسته

نام‌گذاری شایسته در شکل‌گیری شخصیت فرزند در بزرگسالی دارای اهمیت ویژه‌ای است. بسیاری از افراد هستند که در بزرگسالی نام خود را به دلیل عدم برازندگی تغییر می‌دهند و حتی دیده شده است که برخی از کودکان و نوجوانان از گفتن نام اصلی، به دلیل سبک بودن، پرهیز می‌کنند. دین مبین اسلام مسلمانان را از نام‌گذاری‌های ناشایست برای فرزندان بازداشته است.

امام موسی کاظم (ع) فرمود: «نخستین کار نیکی که شخص برای فرزندش باید انجام دهد، این است که نام نیکو برای او انتخاب کند. پس شایسته است هر یک از شما نامی نیکو و متین برای فرزند خویش انتخاب کند (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۸۶).

هم‌چنین روایت شده است که فردی نزد رسول خدا آمد و پرسید: ای رسول خدا! حق فرزندم بر من چیست؟ فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کنی و او را در محیطی خوب پرورش دهی (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۹۷).

شرکت در بازی کودکان

آخرین مؤلفه در تربیت صحیح کودکان که در این نوشتار بدان اشاره می‌شود، بازی است. کودکان از طریق بازی مهارت‌های زیادی را کسب می‌کنند. بازی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های فرزندان را پرورش می‌دهد و موجب تقویت ذهن، جسم و روان آن‌ها می‌شود. هم‌چنین یکی از راه‌های پرورش شخصیت کودکان، شرکت بزرگسالان در بازی‌های آن‌هاست. هم‌بازی شدن با کودک روح و روانش را سرشار از مسرت و شادی می‌کند و اعتماد به نفس در وی تقویت می‌گردد. مطالعه در سیره عملی پیشوایان معصوم (ع) نشان می‌دهد که آن بزرگواران توجه خاصی به هم‌بازی شدن با کودکان داشتند.

امام علی (ع) فرمود: «کسی که کودکی دارد باید خود را به کودکی بزند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۲۶). هم‌چنین پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «هر کس که کودکی دارد باید خویشش را با عالم او هماهنگ ساخته، رفتاری که در خور درک و فهم اوست، پیش گیرد» (همان، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۲۰۳). مرحوم علامه مجلسی در ضمن نقل روایتی می‌نویسد:

پیامبر اکرم (ص) هر روز با نوه‌اش امام حسین (ع) بازی می‌کرد. روزی آن قدر با وی بازی کرد که عایشه به اعتراض گفت: چقدر با او بازی می‌کنی؟ حضرت فرمود: وای بر تو! چه طور او را دوست نداشته باشم در حالی که او میوه دل و نور چشم من است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۴، ص ۲۶۰).

راز هم‌بازی شدن پیامبر (ص) با کودکان این بود که ایشان معتقد بودند بچه‌های خردسال مفهوم زندگی و زنده بودن را به بازی می‌شناسند؛ لذا همیشه می‌فرمود: «بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند» (کلینی، ۱۳۷۰ ش، ج ۲، ص ۹۴).

این سفارش حکایت از آن دارد که آن حضرت بازی را نوعی ابزار سرگرمی و اتلاف عمر نمی‌دانست. هفت سال اول زندگی، دوره شناخت جهان پیرامون خود است؛ کودکان در این دوره با جهان و پدیده‌های اطراف خود بازی می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه با این پدیده‌ها برخورد کنند. در همین دوره است که در پی بازی، حسن بینایی و لامسه آن‌ها بهتر به کار گرفته می‌شود؛ ذهنشان قدرت ابتکار و روحشان اعتماد به نفس می‌یابد. هم‌بازی شدن با کودک علاوه بر این که او را غرق در لذت و شادی می‌کند، بسبب از اصول اخلاقی را به طور مستقیم و غیرمستقیم یاد می‌گیرد. بنابراین والدین باید خود را تا سر حد طفولیت پایین آورده، هم سطح کودک شوند تا بتوانند شخصیت کودک خویش را به روش صحیح پرورش دهند.

منابع:

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعه، تهران: انتشارات المكتبة الاسلامیة.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ ق). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹ ش). ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات ائمه (ع).
- دمشقی، ابن کثیر (۱۴۰۷ ق). البدایة و النهایة: بیروت؛ دارالکتب العلمیة.
- علیا نسب، سید حسین (۱۳۸۶ ش). نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان. همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- غروی، محسن (۱۳۸۳ ش). تربیت فرزندان سالم و با نشاط. قم: انتشارات احمدیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۰ ش). اصول کافی، تهران: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ ش). فروغ کافی، تهران: انتشارات المكتبة الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه ثوفا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۵ ق). میزان الحکمة، قم: دارالحدیث.
- مطهری، محمدرضا (۱۳۸۲). اصول و مبانی آموزش مسائل دینی به کودکان، قم: ماهنامه معرفت، شماره ۴۴.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۴). راهبردهای تکریم شخصیت در سیره معصومین (ع). قم: ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۹.